

: جمع مکسر أخ می  
آخر می أخ می

: مصدر افعال  
م کردن  
سای (گام ها)

■ ■ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العريّة (۲۶ - ۳۵)

۲۶ - ﴿ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ﴾:

- (۱) تنها الله است که غیب آسمانها و زمین را می‌داند!
- (۲) فقط الله است که غیبی را که در آسمانها و زمین است می‌داند!
- (۳) کسی که در آسمانها و زمین است غیب را نمی‌داند مگر خداوند!
- (۴) هر آنکس در آسمانها و زمین است هیچ غیبی را نمی‌داند بجز خداوند!

### جواب: گزینه ۳

**الغیب معرفه هستش ولی در گزینه ۴ و ۲  
بصورت نکره ترجمه شده (غیبی)**

در متن ؛ الغیب بعد از السماوات و الأرض آمده و  
مفعول به میباشد و با (را) ترجمه میشود ولی در  
گزینه ۱ ؛ قبل از آسمانها و زمین ذکر شده و بصورت  
مضاف آمده که اشتباه میباشد

نکته: بیشتر اوقات اگر بعد از اسم ال  
دار ؛ موصول بیاید ؛ اسم ال دار با (ی)  
و اسم موصول با (که) ترجمه میشود:  
الرجل الذی... (مردی که...)

۲۷ - « إيتسم للناس، لأنهم قد يكونون محزونين في قلوبهم و أنت لا تعلم، فعندما تبتسم لهم يتمنون حزنهم لحظة! »:  
به مردم لبخند بزن .....

(۱) برای اینکه احیاناً آنها در دلشان ناراحتند حال آنکه تو نمی‌دانی، آنگاه که به ایشان می‌خندی، لحظه‌ای غمشان فراموش می‌شود!

(۲) زیرا اگر احیاناً آنها در دلشان غمگین باشند و تو ندانی، وقتی که به آنها لبخند می‌زنی، در یک لحظه غمشان را فراموش می‌کنند!

(۳) برای اینکه اگر گاهی در درون خود ناراحت باشند و تو ندانی، پس هنگامی که به آنها می‌خندی برای یک لحظه غمشان فراموش می‌شود!

(۴) زیرا گاهی آنها در درونشان غمگین می‌باشند، درحالی که تو نمی‌دانی، پس وقتی به آنها لبخند می‌زنی، برای لحظه‌ای غم خود را فراموش می‌کنند!

## جواب: گزینه ۴

**يَنْسَوْنَ فعل مضارع معلوم ميباشد  
ولی در گزینه ۱ و ۳ بصورت مجهول  
ترجمه شده (فراموش میشود)**

**و+مبتدا+خبر (و هم فرحون) / و: درحالی که.  
و أنت... (در گزینه ۲ با "درحالی که" ترجمه نشده)  
و در این گزینه کلمه "اگر" اضافه ميباشد)**

**نکته: اگر بعد از واو و ضمیر منفصل  
مرفوعی ؛ کلمه ین دار بیاید حال از  
نوع جمله اسمیه نمیباشد چراکه  
خبر مرفوع ميباشد و در حالت  
نصب و جر "ین" میگیرد**



۲۸- « إن يكن كلام الخطيب مناسباً لفهم المستمعين و على مستوى ثقافتهم، فسيذوقون كآسنا من الكرامة! »:

(۱) هرگاه کلام سخنور شایسته فهم شنوندگان و در حد فرهنگ آنها باشد، در حقیقت آنها جامی از بزرگی می‌چشند!

(۲) اگر سخن سخنران متناسب با فهم مستمعان و همسطح فرهنگ آنها باشد، پس آنان جامی از کرامت خواهند چشید!

(۳) اگر کلمات سخنران با فهم مستمعان تناسب داشته و در حد و اندازه فرهنگ و تمدنشان باشد، سخنرانان جامی از بزرگواری خواهند چشید!

(۴) چنانچه سخنان خطیب لایق فهم و سمع شنوندگان و متناسب با فرهنگ و تمدن آنها باشد، پس آنگاه شنوندگان جامی از عزت خواهند چشید!

## جواب: گزینه ۲

س/سوف+فعل مضارع=مضارع  
مستقبل مثبت: سَيَسْمَح: اجازه خواهد داد (رد گزینه ۱): "می‌چشند"

کلام (سخن) مفرد می‌باشد ولی در  
گزینه ۳ و ۴ بصورت جمع ترجمه شده

نکته: اسم جمع در مواقعی میتواند  
بصورت مفرد ترجمه شود:

که یکی از آن موارد زمانی می‌باشد که  
اگر بعد از اسم اشاره ؛ ال بیاید ؛ اسم  
اشاره بصورت مفرد ترجمه میشود:  
هؤلاء التلميذات: این دانش آموزان

۲۹- « العالم الحقيقي الذي له أفكار عميقة و حديثه لا يدعي أنه يعرف كل شيء لأنه لا يستطيع أن يكذب! »:

- (۱) عالم واقعی که دارای افکاری ژرف و بلند است هرگز مدعی شناخت همه اشیاء نیست، زیرا قادر به دروغ گفتن نمی‌باشد!
- (۲) عالم حقیقی دارای افکار عمیق و نو می‌باشد، اما قادر نیست دروغ بگوید، زیرا نمی‌تواند ادعا کند که همه چیز را می‌شناسد!
- (۳) دانشمند واقعی که دارای اندیشه‌های عمیق و تازه است، ادعا نمی‌کند هر چیزی را می‌داند، زیرا او نمی‌تواند دروغ بگوید!
- (۴) دانشمند حقیقی کسی است که اندیشه‌های ژرف و جدید دارد، اما ادعا نمی‌کند که هر چیزی را می‌داند، زیرا نمی‌تواند دروغ بگوید!

### جواب: گزینه ۳

الذي خبر نمی‌باشد و صفت است و بعد از اسم ال دار آمده و با "که" ترجمه می‌شود  
رد گزینه ۴: دانشمند حقیقی کسی است که

شیء مفرد می‌باشد ولی در گزینه ۱  
بصورت جمع آمده است (اشیاء)

شیء نکره می‌باشد ولی در گزینه ۲  
بصورت معرفه ترجمه شده (چیز)

نکته: اسم نکره می‌تواند بصورت معرفه ترجمه شود؛  
بیشتر اوقات آن هم در صورتی که خبر واقع شود

۳۰- « لا یصل إلی النّجّاح إلاّ الذّین یُحاولون کثیراً و لا ینھرون من الفشل و لا یقومون بعمل یُخلّون منه و یتدمون علیه! »:

- (۱) به موفقیت نمی‌رسند مگر کسانی که سخت تلاش کنند و از شکست نترسند، و هرگز کاری نکنند که از آن کار شرمنده و بخاطرش نادم گردند!
- (۲) فقط کسانی به موفقیت می‌رسند که بسیار تلاش می‌کنند و از شکست خوردن نمی‌گریزند و کاری نمی‌کنند که از آن شرمنده و پشیمان شوند!
- (۳) تنها کسانی که سخت تلاش می‌کنند، به موفقیت دست‌یافته و از شکست خوردن نمی‌هراسند، پس عملی انجام نمی‌دهند که خجلت‌زده و نادم شوند!
- (۴) کسانی که بسیار تلاش می‌کنند، فقط به موفقیت دست می‌یابند، و از شکست فرار نمی‌کنند، پس قطعاً عملی انجام نمی‌دهند که از آن خجالت بکشند و پشیمان گردند!

## جواب: گزینه ۲

یُحاولون فعل مضارع اخباری می‌باشد و قبل از آن عواملی نیامده که بصورت مضارع التزامی ترجمه کنند مانند: حروف ناصبه جز لن / لیت / اسلوب شرط و... (رد گزینه ۱)

یَصِل فعل مضارع می‌باشد ولی در گزینه ۳ بصورت ماضی ترجمه شده

در گزینه ۴ فقط در موقعیت صحیحی بکار نرفته است



۳۱- « يُمكن لِلإنسان أن يَدْخل في قلوب الآخرين دون أن يتَكلَّم بكلمة واحدة؛ فَيُكفِّيه أن يَزَيِّن سلوكه بالصفات الحميدة! »:

- (۱) برای انسان ممکن است بدون اینکه کلمه‌ای بگوید وارد قلب‌های دیگران شود؛ از این‌رو کافی است که رفتارش را با صفات پسندیده مزین کند!
- (۲) برای انسان ممکن است که بدون حرف زدن در دل‌های دیگر ورود کند، فقط باید رفتارش با ویژگی‌های پسندیده زینت داده شود!
- (۳) انسان می‌تواند خود را در قلوب دیگران وارد کند بی‌آنکه کلامی بگوید، برای او بس است که اعمالش را با خوبی ستوده بپرازد!
- (۴) انسان می‌تواند بدون کلمه‌ای حرف زدن در دل دیگران نفوذ کند، کافی است که روش‌های خود را آراسته گرداند!

## جواب: گزینه ۱

قبل از انسان ؛ ل آمده است ولی در  
گزینه ۳ و ۴ ذکر نشده: انسان

يُزَيِّن فعل مضارع التزامي میباشد ولی در  
گزینه ۲ بصورت التزامي ترجمه نشده

سلوك مفعول به میباشد ولی در گزینه ۲  
بصورت مفعول به (را) ترجمه نشده است

۳۲- « أَنْتَ يَا مَعْلَمُ! قَدْ كُنْتَ السَّبِيلَ الْوَحِيدَ لِلنَّجَاحِ، لَقَدْ تَعَلَّمْتُ مِنْكَ أَنَّي لَنْ أَتَجَحَّ فِي الْحَيَاةِ حَتَّى لَا أَفْشِلَ عِدَّةَ مَرَّاتٍ! »:

تو ای معلم! .....

- (۱) بی شک راه تو تنها برای موفقیت من بوده است، از تو آموختم تا بارها زندگی را نبازم هرگز موفق نخواهم شد!
- (۲) قطعاً تویی تنها راه نجات من، بی شک از تو آموختم که من نخواهم توانست موفق شوم تا بارها زندگی را نبازم!
- (۳) قطعاً به تنهایی راه نجات من بودی، از تو است که آموختم هرگز موفق نمی شوم تا بارها در زندگی شکست نخورم!
- (۴) بی شک تنها راه موفقیت من بوده ای، قطعاً از تو آموختم که تا بارها شکست نخورم در زندگی موفق نخواهم شد!

## جواب: گزینه ۴

بعد از السبیل ؛ ضمیر نیامده ولی در گزینه ۱ بصورت "راه تو" آمده است که اشتباه میباشد

فی الحياة: جار و مجرور میباشد ولی در گزینه ۱ و ۲ "فی" را ترجمه نکرده و بصورت مفعول به آورده است

لن + فعل مضارع = مضارع مستقبل منفی (رد گزینه ۳) و گزینه ۲ هم به شکل صحیحی ترجمه نشده است



۳۳- « من ملأ وعاء وجوده بالآلاف و حتى بالمئات من الحسنات فقد جعل نفسه غنيّة و لا يحتاج إلى الآخرين! »:

- (۱) کسی اگر ظرف درونش، از هزارها و حتی صدها عمل خیر پُر شود، خود را غنی کرده و به غیر نیاز ندارد!
- (۲) هرکس ظرف درونش، با هزارها و صدها خوبی پُر شود، نفسش را بی‌نیاز می‌کند و احتیاجی به غیر ندارد!
- (۳) کسی که ظرف درون خویش را با صدها و هزاران نیکی پُر کند، خود را غنی گردانده تا به دیگران احتیاج نداشته باشد!
- (۴) هرکس ظرف وجود خود را با هزاران و حتی صدها عمل خیر پُر کند، نفس خود را بی‌نیاز می‌گرداند و نیازی به دیگران ندارد!

### جواب: گزینه ۴

بالآلاف و حتى بالمئات: باید به ترتیب ترجمه شوند و بصورت کامل "هزاران یا هزارها و حتی صدها" (رد گزینه ۲ و ۳)

ملأ: پر کند (رد گزینه ۱)

۳۴- عین الصحیح:

- (۱) ما مِن حضارةٍ أكتشفت إلا و هي تُؤكد أن الإنسان ما خُلق عبثاً: هیچ تمدنی کشف نشده است مگر اینکه تأکید می‌کند که انسان بیهوده خلق نشده است!
- (۲) الصنقُ هو أن لا يكذب اللسان، و الصداقة هي أن لا يكذب القلب: راستگویی آن است که به زبان دروغ نگوید، و دوستی آن است که در دل دروغ نگوید!
- (۳) إنما يلجأ الأطفال إلى والديهم عندما يواجهون خطراً: کودکان وقتی با خطر مواجه می‌شوند معمولاً به والدین خود پناه می‌برند!
- (۴) يكادُ أن يُنشد الشعر من رؤية هذه المناظر الجميلة: نزدیک بود از دیدن چشم‌اندازهایی چنین زیبا شعر بگوید!

جواب: گزینه ۱

قبل از "القلب" ؛ "فی" نیامده ولی با  
"در" ترجمه شده (رد گزینه ۲)

إنما: فقط ؛ تنها (رد گزینه ۳)

المناظر الجميلة معرفه میباشند و بصورت نکره ترجمه  
نمیشوند: منظره های زیبا (رد گزینه ۴)

- ۳۵- « در زندگی این ادیب، با وجود شرایط دشوارش، بجز فعالیت نمی بینیم! »:
- (۱) لا تُشاهد إلا النشاط في حياة الأديب، على رغم الظروف القاسية!
  - (۲) لم تُشاهد إلا الاجتهاد، مع وجود ظروفه القاسية في حياة الأديب!
  - (۳) لا تُشاهد في حياة هذا الأديب إلا النشاط، على رغم ظروفه القاسية!
  - (۴) لم تُشاهد في حياة هذا الأديب، مع وجود الظروف القاسية إلا الاجتهاد!

## جواب: گزینه ۳

شرایط دشوارش: شرایط (موصوف / مضاف) + دشوار (صفت) + ش (مضاف الیه) ولی در زبان عربی جای صفت و مضاف الیه عوض میشود: ظروفه القاسية (رد گزینه ۱ و ۴: که فقط شرایط دشوار آمده و ضمیر ذکر نشده است)

"این ادیب" ؛ ولی در گزینه ۲ هذا ذکر نشده است

"نمی بینیم" ؛ ولی در گزینه ۲ و ۴ بصورت "لم + فعل مضارع" آمده (ندیده ایم ؛ ندیدیم) که اشتباه میباشد



■ ■ ■ اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (٣٦ - ٤٢) بما يناسب النص:

إنَّ الجاهل لا يُحاسب عاقبة أمره، فلا يتَعَقَّل في مواجهة الأمور. فنحن لانقصد من الجاهل من لا يُحسن القراءة و الكتابة، بل هو الَّذي لا يستخدم قُوَّة عقله فيستسلم أمام ظاهر الأشياء و يَقْبِل ما تأمر به نفسه! إقرؤوا القصة التالية و إعتبروا عاقبة الحماقة:

كان حماز يحمل كيمتين كبيرين من الملح. و قد أصابه التعب من طول الطريق و شدة حرارة الشمس، فوقف على بركة ماءٍ ليشرَب، فزلَّت رجلاه و وقع في الماء. عندما أخرجه صاحبةُ من البركة شعر بأنَّ ما عليه من البضاعة قد أصبح خفيفاً، فملأته الفرحة! و في يوم آخر مرَّ هذا الحماز قُبيل غروب الشمس بنفس تلك البركة و كان يحمل الكيسين فيهما ثياب. فعزم أن يُخَفِّف ما عليه، فذهب قرب الماء و وقع فيه؛ ولكن عند الخروج ... فوقع ما وقع ...!

٣٦- أيّ موضوع لم يأت في النص؟

- (١) المقصود من كلمة « الجاهل »
- (٢) حجم الكيس في المرة الثانية
- (٣) سبب اقتراب الحماز من البركة
- (٤) زمان سنير الحماز نحو البركة

٣٧- جواب أيّ سؤال لم يأت في النص؟

- (١) إلى أين كان صاحب الحماز يذهب؟
- (٢) أ شعر الحماز بالعطش في المرة الثانية؟
- (٣) كيف تكون حالة الجاهل حين يواجه الأمور؟
- (٤) ما الفرق بين حالة الحماز في المرة الأولى و المرة الثانية؟

برای پاسخ به ۴ سوال ابتدایی درک مطلب؛ فرد باید لغات رو یاد داشته باشن و بتونن ترجمه کنن تا ترجمه کلی دستشون بیاد و بتونن به موضوع کلی متن برسند و به سوالات جواب بدن

### جواب سوال ۳۶: گزینه ۲

کدام موضوع در متن نیامده است: در بار دوم به حجم کیسه ها اشاره نشد و به تعداد کیسه ها اشاره شد.

### جواب سوال ۳۷: گزینه ۱

جواب کدام سوال در متن نیامده است: در متن اشاره ای به مقصد صاحب الاغ نشده و به آن پرداخته نشده.

۳۸- عین الصحیح:

- (۱) لم یبق من الملح فی المزة الأولى إلاّ قليلاً.
- (۲) استطاع الحمام بنفسه أن يخرج من الماء.
- (۳) عدد الأكياس فی المزة الثانية لم يكن بعدد المزة الأولى.
- (۴) وصل الحمام فی المزة الأولى إلى البركة صباحاً و فی المزة الثانية ظهرًا.

۳۹- عین ما لا یناسب النص:

- (۱) عاجزُ الرأي مُضیعُ لحياته.
- (۲) إنما يهلك الناسُ لأنّهم لا یسألون.
- (۳) العاقل یغتنم كلَّ الفرص فی الحياة.
- (۴) کُنْ کَمَن إذا نظرتُ عیناه أمرًا صار عبْرَةً له.

۳۸: گزینہ ۱

با توجه به متن فقط گزینہ ۱ صحیح  
بیان کرده است

۳۹: گزینہ ۲

گزینہ ۲ مناسب متن نمیباشد

■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي ( ۴۰ - ۴۲ )

۴۰ - « يَتَعَقَّل » :

- (۱) فعل مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة ( عقل ) - مصدره « تَعَقَّل » على وزن « تَفَعَّل »
- (۲) مضارع - ماضيه « عَقَّل » على وزن « فَعَلَ » - معلوم - فَعَلَ و مع فاعله جملة فعلية
- (۳) فعل مضارع - للمفرد مذكر الغائب - له حرفان زائدان - فَعَلَ و مع فاعله جملة فعلية
- (۴) مضارع - حروفه الأصلية « عقل » و له حرفان زائدان - ماضيه « تَعَقَّل » على وزن تَفَعَّل

### جواب: گزینه ۲

يَتَعَقَّلُ فعل مضارع باب تَفَعَّلَ میباشد ولی  
در گزینه ۲؛ ماضی آن را عَقَّلَ بر وزن فَعَّلَ  
از باب تفعیل گرفته که اشتباه میباشد

مصدر

فعل امر

فعل مضارع

فعل ماضی

تَعَقَّلَ

تَعَقَّلَ

يَتَعَقَّلُ

تَعَقَّلَ



۴۱ - «إِعتَبَرُوا»:

- (۱) فعلٌ، ماضیه: «اعتبر» علی وزن «افتعل» و له حرفان زائدان - مع فاعله جملة فعلية
- (۲) فعل أمر - للجمع المخاطب - حروفه الأصلية «ع ب ر» و له حرفان زائدان
- (۳) فعلٌ و مصدره «اعتبار» علی وزن «افتعال» - فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
- (۴) فعل ماضٍ - للجمع المذكر الغائب - مصدره «اعتبار» علی وزن افتعال

## جواب: گزینه ۴

إِعتَبَرُوا فعل امر از باب إِفْتِعَال می باشد ولی در  
گزینه ۴ فعل ماضی ذکر شده که اشتباه می باشد  
چرا که ماضی آن "إِعتَبَرُوا" می باشد

مصدر

فعل امر

فعل مضارع

فعل ماضی

إِعتَبَارٌ

إِعتَبِرْ

يَعْتَبِرُ

إِعتَبَرَ

۴۲ - «مواجهة»:

۱) اسم - مفرد مؤنث - مصدر علی وزن «مفاعلة» - مجرور بحرف «فی»

۲) اسم الفاعل منه: «مُواجه»، مضارعه: «یواجه» - فی مواجهة: جار و مجرور

۳) مفرد مؤنث - مصدر، و ماضیه: «واجه» علی وزن «فاعل» - مجرور بحرف الجر

۴) اسم - مصدر علی وزن «مفاعلة»، ماضیه «تواجه» علی وزن «تفاعل» - مجرور بحرف الجر

### جواب: گزینه ۳

مواجهة از باب مُفاعَلة میباشد و  
ماضی آن "واجه" میباشد

مصدر

فعل امر

فعل مضارع

فعل ماضی

مُواجهَة

واجه

يُواجه

واجه

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳ - ۵۰)

۴۳ - عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) كَانَتْ تَدْعُو الْعَالَمَ الْغَرْبِيَّ لِفَهْمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الْإِسْلَامِيِّ وَ الْإِطْلَاعِ عَلَيْهِ!
- (۲) رَبُّ كِتَابٍ يَتَصَفَّحُهُ قَارِئُهُ فَيُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ تَأْثِيرًا عَمِيقًا يَظْهَرُ فِي آرَائِهِ!
- (۳) شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاحٍ حَوْلَ الْمُزَارِعِ!
- (۴) لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا!

جواب: گزینہ ۳

الْمُزَارِعُونَ اشتباه میباشد و صحیح آن  
"الْمُزَارِعُونَ" میباشد چراکه اسم فاعل است

الْمُزَارِعِ اشتباه میباشد و  
صحیح آن "الْمُزَارِعِ" است



۴۴ - عین الصحیح عن توضیح المفردات التالية:

- (۱) الغشاء: موعد من المواعد التي نأكل الطعام فيه!
- (۲) المُعَرَّب: الكلمة الأجنبية إذا دخلت في اللغة العربية.
- (۳) البُحيرة: مجتمع ماء تحيط به الأرض من بعض الجهات!
- (۴) العُداء: جمع تكسير لكلمة «عادي» و هو مَنْ يَرْجع إلى بلاده!

۴۵ - عین الصحیح عن ما يُعادل المفهوم: «خَيْرُ الْغَيِّ الْقَنَاعَةُ»

- (۱) تا صدف قانع نشد پُر دُر نشد!
- (۲) درویش را مُلک قناعت مسلّم است!
- (۳) قانع شدی به نانی، اما نشان نیدی!
- (۴) چون قانع شدی، سنگ و سیمت یکی است!

## ۴۴: گزینه ۲

در چنین مواردی ؛ کلماتی داده میشود که فرد باید گزینه ای رو انتخاب کنن که توضیح مناسبی برای کلمه مشخص شده بیان میکند

## ۴۵: گزینه ۱

مفهوم مناسب را میخواهد که گزینه ۱ به درستی بیان کرده است

۶-۴ عین ما لیس فیہ اسم المكان:

- (۱) أنشد الشاعرُ شعراً جميلاً و مأخذ قوله آية من آيات القرآن الكريم!
- (۲) كتب التلاميذ مقالاتٍ مهمّة استفادوا لها من مصادر كثيرة!
- (۳) يُزيّن الناسُ المقابرَ و لا ينتفع من هذا التزيين إلا أنفسهم!
- (۴) مهنةُ أبي صعبة جدّاً، إنه يعمل من الصباح حتّى الليل!

جواب: گزینہ ۴

اسم مكان بر وزن مَفْعَل ؛ مَفْعِل ؛  
مَفَاعِل ؛ مَفَاعِيل ؛ مَفْعَلَةٌ و مَفْعِلَةٌ  
می آید: مأخذ ؛ مصادر ؛ المقابر

۴۷ - عین « ال » تفید معنی الإشارة:

- (۱) رأيتُ سياراتٍ كثيرة؛ السيارات كانت في ساحة المدرسة!
- (۲) سيذهب الشاعرُ إلى مجمع الشعراء؛ ذلك الشاعر يتكلم عن شعره الحديث!
- (۳) ليلة الامتحان قريبةٌ و الامتحانات صعبةٌ لي؛ لأنني ما قرأت دروسي حتى الآن!
- (۴) وقفت سيارة زميلي في مكان وقوف السيارات؛ هذه سيارة اشتراها زميلي أخيرًا!

**جواب: گزینه ۱**

اگر یک کلمه دوبار تکرار شود؛ بار اول  
نکره و بار دوم ال بگیرد؛ در این صورت  
"ال" با "این" و یا "آن" ترجمه میشود



۴۸ - عین الخطأ عن العدد:

- (۱) كانت عندنا أربعون و ثمانی ورقة للرسم،
- (۲) كان في المدرسة اثنا عشر تلميذاً، و وزّعناها بينهم،
- (۳) صار سَهمُ كُلِّ منهم أربع ورقات و عددًا من الأقلام الملونة،
- (۴) و رَسَمَ كثيرٌ من التلاميذ على ثلاث ورقات فقط و بقيت واحدة منها!

جواب: گزینه ۱

در زبان عربی ؛ اول یکان می آید و سپس دهگان ولی در گزینه ۱ جابجا آمده که اشتباه می باشد.

نکته: اگر اعداد عقود با "ال" بیایند ؛ بصورت ترتیبی ترجمه میشوند

۹۴ - عَيْنَ مَا فِيهِ الشَّرْطُ:

- (۱) مَنْ صَنَعَ أَوَّلَ سَيَّارَةٍ، صَنَعَهَا بِثَلَاثِ إِطَارَاتٍ!
- (۲) مَنْ يُعْجِبُنِي كَانَ حَارِسَ مَرْمَى فِي فَرِيقِ نَشِيطٍ!
- (۳) مَنْ يَغْرِسُ الْأَشْجَارَ فِي الْحَدَائِقِ يَجِدُ ثَمَرَتَهَا بَعْدَ زَمَنِ!
- (۴) مَنْ يَبْحَثُ عَنْ هَذِهِ الْكُتُبِ الْمُفِيدَةِ صَدِيقِي الْمَجْدُ!

### جواب: گزینه ۳

ادات شرط اول جمله می آیند بیشتر اوقات و بعد از این ادات ؛ دو فعل می آید اکثر اوقات که فعل اول فعل شرط و فعل دوم جواب شرط میباشد و امکان دارد جواب شرط از نوع جمله اسمیه باشد ؛ آن هم زمانی که "ف" بر سر ضمیری بیاید

در دیگر گزینه ها (من) ؛ با "هرکس" و "هرکه" ترجمه نمیشود و ادات شرط نمیباشد

## عربی تجربی ۱۴۰۱

## استاد صالح میر

۵۰- عین «تساعد» یوضح ما قبله:

- (۱) أحب من تساعد الآخرين بشوق و رافة!  
(۲) رأيت طالبة تساعد زميلاتها في دروسهن!  
(۳) هذه الطالبة تساعد كل التلميذات في الصف!  
(۴) كانت تلك الطالبة تساعدني دائماً في دروسي!

## جواب: گزینه ۲

گزینه ای را میخواهد که "تساعد"  
توضیح میدهد کلمه قبلش را یعنی  
جمله وصفیه میباشد

زمانی جمله وصفیه میباشد که بعد از  
اسم نکره بیاید و آن را توضیح دهد